

از سنگر جنگ واسارت تا سنگر تولید و کار آفرینی

ساعتی با کار آفرین آزاده در ۷ کیلومتری مرز



جعفر دروگر–همزمان با سالروز ورود آزادگان سرافراز، در ۷ کیلومتری مرز به دیدار آزاده ای می روم که ۷ سال در اسارت زندان های بعثی بود. آزاده ای که علاوه بر سنگر تولید و کارآفرینی یک مردار و مرزبان نمونه نیز هست. «محمدعلی پردل» سال ۱۳۶۲ به اسارت بعثی ها درمی آید و تمام روزهای اسارت را با مقاومت و روحیه دادن به دیگر اسرا پشت سر می گذارد. او اکنون در ۷ کیلومتری مرز افغانستان به کار تولید پسته و شترمرغ مشغول است، این آزاده معتقد است که انسان باید در هر جا باشد با کار و تلاش به پیشرفت و آبادانی کشورش کمک کند. این آزاده با تمام زخم های اسارت امروز در کار کشاورزی و تولید یکی از کارآفرینان نمونه این منطقه مرزی است به نحوی که ۱۲۰ قطعه شترمرغ کوچک و بزرگ را در مزرعه خود پرورش می دهد؛ علاوه بر آن حدود ۳۰۰ قطعه مرغ و تقریباً ۲۰ راس دام گوشتی را نگهداری می کند. دستگاه حوجه کشی شترمرغ و مرغ او همیشه روشن است و مزرعه پسته اش با پسته های خندان برای منطقه مرزی و کویری، خرمی و شادابی را به ارمان آورده است.

احداث استخر دو منظوره برای کشاورزی وپرورش ماهی از دیگر خلاقیت های این آزاده کارآفرین است تا بتواند علاوه بر کشاورزی ماهی گرمابی نیز پرورش دهد. «محمدعلی پردل» به دنبال احداث کارگاه صنعتی پرورش شترمرغ به شیوه صنعتی است و قصد تبدیل واحد سنتی به صنعتی را دارد که بتواند ۳۰۰ قطعه شترمرغ را نگهداری کند و پرورش دهد سیستم آبیاری تحت فشار نیز برای استفاده بهینه از آب در مزارع کشاورزی اش با توجه به خشکسالی ها در دستور کارش است. او هم اکنون برای دو نفر دائم و در مجموع برای ۳۰۰ نفر در فصول کاشت، داشت و برداشت و به اتفاق خانواده در مزرعه زندگی می کند. با دیدن محل پرورش شترمرغ و مرغ، دستگاه های تحت فشار آبیاری و باغ پسته مفهوم خواستن، توانستن است را بیشتر برابرم روشن می کند.

■ **درباره اسارتش از او می پرسم**

چهارم اسفند سال ۶۲ فرمانده گروهان عملیات خیبر بومد که به دست عراقی ها اسیر شدم، در

همان ابتدای اسارت چون اسم فرمانده گروهان لو رفته بود موضوع را به آنهایی که مرا می شناختند اطلاع دادم و اسم مستعار خودم را «رضا هزاره» گذاشتم. او لحظه های اسارت را هم به صحنه های جنگ تشبیه می کند و می گوید: جنگ در اسارت کمتر و آسان تر از جنگ قبل از اسارت نبود. او تقویت روحیه همرزمان، مقابله با تمام تبلیغات دشمن، حفظ و پاسداشت ارزش هایی که به خاطرش جان بر کف نهاده و پا به کارزار گذاشته بود را جنگ در اسارت می داند.

«پردل» سال های قبل از انقلاب کشاورزی می کرد و مدتی هم در مشهد به کار بنایی مشغول بود، فعالیت سیاسی اش آن طور که می گوید از همان سال های جوانی شروع شد. قبل از آن به دلیل پخش اعلامیه ها و سخنرانی های امام خمینی(ره) دستگیر و یک سالی را در زندان وکیل آباد مشهد حبس شد.

او انگیزه اصلی اش را برای انقلاب کردن، رهاشدن مردم و مستضعفان از سلطه طاغوتیان عنوان می کند و می گوید: «در زمان طاغوت خفخان بیداد می کرد و دیکتاتوری حاکم بود، در روستاهای اطراف ما به جز خان و خان زادگان

انگار فردی حق زندگی کردن نداشت و همین فشارهایی که بر مردم وارد می شد انگیزه اصلی ما برای انقلاب کردن شد.

مورد دیگر بحث حجاب بود که در آن زمان به حاشیه رانده شده بود و این خطر احساس می شد که دین را از مردم خواهند گرفت؛ ما برای حفظ دین و ارزش های دینی عزم مان را جزم کردیم و پا به میدان گذاشتیم. «محمدعلی پردل» می افزاید: انقلاب کردیم و آثار انقلاب را هم می بینیم قبل از انقلاب کمتر پا به مبارزه داشتند در مدرسه چادر بر سر بگذارند، زمینه فساد برای جوانان فراهم بود، محله هایی به منظور عیاشی و هرزگی وجود داشت که بنیان خانواده ها را از هم می پاشاند و هزاران آسیب اجتماعی دیگر که بعد از انقلاب این آسیب ها و فشار ها از بین رفته و امروز اگر تعداد اندکی از مردم این سرزمین با آرمان های انقلاب و ارزش های دینی فاصله پیدا کردند به طور قطع باید تاثیر ماهواره و رسانه و تبلیغات غرب را عامل آن دانست.

به هرحال دشمن بیکار نمی نشیند و برای همین هم هست که مقام معظم رهبری تاکید بر فرهنگسازی دارند و می فرمایند جنبه های جنگ



اسارت تا روز آزادی کتک کاری آزادگان را ترک نکردند. انگار با این کار به دنبال قدرت نمایی بودند شب، صبح، وقت و بی وقت بی بهانه و با بهانه کتک می زدند، اما آنها هر چه کتک می زدند سرسختی و مقاومت بچه ها بیشتر می شد و ضعف ناتوانی دشمن بیشتر و بیشتر نمایان می شد. این آزاده با اشاره به این که باید قدر امنیت و سلامتی خود را بدانید، ادامه می دهد: انسان تا گرفتار نشود قدر عافیت و سلامتی خود را نمی داند و تا با کمبود مواجه نشود قدر امکانات زندگی خود را نمی داند. «فرنگی» از اسارت درس های بزرگی گرفته و تاکید می کند: باید قدرشناس نعمت های خداوند متعال باشیم و ببینیم تاکنون چقدر در زندگی خود با دعا و خدا مانوس بودیم و چقدر استفاده کردیم و یا چه امکاناتی داشتیم که از آن استفاده نکردیم. «فرنگی» ۸ سال ونیم در اسارت بوده و بیشترین ایام آن را در بین آزادگان شهرستان قاینات بوده است.

■ **روزهای سخت**

اسارت زخم های عمیقی بر جان او گذاشته است، تبعات ناشی از مجروحیت و کتک کاری ها، شلاق خوردن ها آرامش بعد از آزادی را از او گرفته و هر روز ۱۲ قرص می خورد و ۲ آمپول انسولین تزریق می کند، با وجود اینکه از سال ۵۹ تا کنون آسایش و آرامش نداشته اما لحظه ای از امام و رهبری و حجت الاسلام «ابوترابی» مورد بازبینی قرار نگرفت و قرار شد در داخل اردوگاه آنهایی که سواد دارند بقیه را در قرائت قرآن و حفظ قرآن یاری دهند همه ما مشتاق یاد گرفتن بودیم. کاغذ ما ز زورق سیگار و خودکارمان نیز سربی بود که از تعمیرگاه های تانکرهای عراق می آوردیم. به این ترتیب به اشاعه فرهنگ دعا و حدیث می پرداختیم البته کار سخت و خطرناکی بود چرا که اگر عراقی ها می فهمیدند و افراد را شناسایی می کردند بی رحمانه مورد شکنجه قرار می دادند. او ادامه می دهد: عراقی ها از همان لحظه اول

و دعوه بود به ما غذا می دادند.

صبح آش و ظهر ها فقط ۶ قاشق برنج ولی در شب جیره نداشتیم وقتی به صلیب سرخ این قضایا را می گفتیم پاسخ شان این بود که ما هیچ قدرتی نداریم که با آنها بر خورد کنیم. ما فقط تذکر می دهیم. در اردوگاه خلاء یادگیری قرآن به وسیله حجت الاسلام «ابوترابی» مورد بازبینی قرار گرفته که به امام(ره) توهین کرده بودند بچه ها داخل اردوگاه شورش کردند که همه ما را کتک کاری کردند.

من هر وقت نامه ای را به ایران می فرستادم در نامه امام را پدر بزرگ خطاب می کردم و از پدر و مادر خود و بستگانم می خواستم که احترام پدر بزرگ را داشته باشند و از فراموش تبعیت نکنند. یک روز که در داخل اردوگاه داشم در سالگرد ارتحال امام برای خودم زمزمه می کردم چنان با شلاق به سرم زدند که یک هفته بیهوش بومد.

او درباره وضعیت اردوگاه می گوید: در شبانه روز

گفت و گو با جانباز آزاده قربان فرنگی

رنج های پس از اسارت

■ **حقانی**–شهرستان قاینات در دوران دفاع

مقدس از نظر اعزام نیرو و یاری رسانی به رزمندگان اسلام در خراسان آن زمان پیشتاز بود به طوری که ۱۲ هزار رزمنده هر یک از دو تا ۶

سال در دفاع مقدس شرکت داشته اند.

به مناسبت بازگشت آزادگان به سراغ یکی از این بزرگمردان می رویم. در ادامه گفت و گوی «خراسان جنوبی» با پاسدار جانباز و آزاده سرافراز «قربان فرنگی» را می خوانید.

او در سال ۱۳۳۲ در خانواده مذهبی و کشاورز متولد شد وی که تنها پسر خانواده بود بعد از آموزش سواد قرآنی در دوران کودکی کمک کار پدر پیرش می شود و در دوران پیروزی انقلاب اسلامی در توزیع اعلامیه ها، برپایی تظاهرات و تحصن ها علیه رژیم گذشته ایفای نقش می کند.

«قربان فرنگی» می گوید: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سیاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول به کار شدم و تا قبل از اسارت دو بار به جبهه های نبرد حق علیه باطل شتافتم و قبل از اسارت نیز به افتخار جانبازان نائل آمدم.

او در فروردین سال ۶۱ در عملیات فتح المبین در منطقه شوش در حالیکه مجروح شده و بیهوش

روی زمین افتاده بوده توسط نیروهای بعثی اسیر و به آن سوی مرز انتقال می یابد.

«فرنگی» در روایت ماجرای اسارتش می گوید: در عملیات فتح المبین از ناحیه شانه چپ به وسیله کلاش زخمی شده بودم و مدت ۵ ساعت در منطقه روی زمین بیهوش افتاده بودم زمانی که به هوش آمدم دیدم در چنگال بعثیان اسیر شده ام. او روزهای ابتدای اسارتش را به یاد می آورد: بعد از اسارت به مدت ۳ روز در یک اردوگاه سیار کوچک، کثیف و اتاقی بدون سقف محبوس شدم. پس از آن من و دیگر اسرا را به بغداد انتقال دادند، در شهر بغداد حدود ۳۰۰ آزاده را در خیابان ها با وضعیت بسیار اسف باری می چرخاندند و در حین چرخاندن در داخل خیابان ها مردم بی دین

ویژه آزادگان



به او افتخار می کنیم

حسین قربانی– سالروز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی بهانه ای شد تا با همسر آزاده شهید و فرزند یک جانباز آزاده به گفت و گو بنشینیم، بانویی که به جز ادامه راه همسرش چیزی از مسئولان نمی خواهد و فرزندی که به جانباز و آزاده بودن پدر افتخار می کند. آزاده شهید «یحیی اسدزاده» سال ۱۳۶۱ در کرخه نور درحالی که مجروح شده بود به اسارت نیرو های بعثی درآمد. ۸ سال و ۴ ماه در اردوگاه های اسرا به سربرد. او در سال ۱۳۶۹ با ۷۰ درصد جانبازی به همراه دیگر آزادگان سرافراز به میهن برگشت.

او بعد از تحمل ۲۹ سال درد ورنج دوران اسارت ۲۷ تیر ۱۳۸۱ در بیمارستان شهید کامیاب مشهد به آرزوی دیرینه خود که همانا شهادت در راه خدا بود نائل شد.

اینک پس از ۱۳ سال که از شهادت یحیی می گذرد، همسر دلاورش که پا به پای او در دره و رنج های دوران اسارت را در دوران زندگی مشترک تحمل کرده است و در زمان ازدواج با او دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی تهران بوده است، در حالی که قطره های اشک روی گونه هایش جاری شده، می گوید: «یحیی» با وجود این که درد ورنج شکنجه های دوران اسارت تنش را رنجور کرده بود و آثار آن بر روی چهره اش هم دیده می شد، هیچ گاه در این زمینه شکایت و گلایه ای نکرد. او می افزاید: «یحیی» انسانی معتقد و بسیار صبور بود که برای رضای خداوند حاضر بود بدترین سختی ها را متحمل شود. هرگاه فرزندان از او درباره آثار شکنجه های دوران اسارت می پرسیدند به آنها می گفت: «این ها نشانه های کار دشمن است».

وی با اشاره به شهادت همسر آزاده اش بر اثر شکنجه های اسارت و این که خودش مسئولیت نگهداری از ۴ فرزندش را به تنهایی بردوش گرفت، می افزاید: با این وجود هیچ گلایه وشکوه ای از توجه کم بعضی از مسئولان دراین زمینه ندارم. تنها از همه می خواهم تا همچون گذشته به آرمان ها و ارزش های دوران دفاع مقدس که همانا ارزش های اسلامی است، پایبند باشند.

■ **افتخار می کنم که فرزند آزاده جانبازم**

«سمیه صادقی» نیز فرزند جانباز و آزاده «ابراهیم صادقی» است، وقتی درباره جانبازی پدرش از او می پرسم، به این نکته اشاره می کند که آزادگان در دوران اسارت سختی ها و شکنجه های زیادی را به جان خریدند و توانستند در برابر نیروهای مزدور بعثی مقاومت کنند. پدر هرگاه که فرصتی پیش می آید از خاطرات دوران اسارت واین که اسرا مجبور بودند روزهای اسارت را با تکه نانی بگذرانند ولی با این وجود همیشه مشغول خواندن ادبیه و قرآن بودند و یک لحظه

زیاد خدا غافل نشدند سخن می گوید. او که دانشجوی رشته روانشناسی دانشگاه بیرجند است با تاکید بسیار می گوید: افتخار می کنم که فرزند جانباز آزاده هستم و از افراد دیگر می خواهم قدر جانبازان و آزادگانی که هنوز دربین ما هستند را بدانند و به آن ها احترام بگذارند. زیرا اینارگران در دوران دفاع مقدس از جان خود گذشتند و در مقابل دشمن تا دندان مسلح ایستادگی و مقاومت کردند تا امروز ما در آسایش و امنیت زندگی کنیم. اگر اینارگری های آن ها نبود، امنیت موجود در کشور مانند دیگر کشورهای منطقه از بین می رفت و ما نمی توانستیم به زندگی خود ادامه دهیم.

به نظر او، هر چند نسل جوان با تماشای فیلم های مربوط به دوران دفاع مقدس تا حدودی نسبت به شرایط حاکم بر کشور و مبادین نبرد با دشمن بعثی آگاهی پیدا کرده اند ولی مسئولان مربوط مانند گذشته باید به وظیفه خود در این زمینه به خوبی عمل کنند.



سه شنبه
۲۷ مرداد ۱۳۹۴
۳ ذی القعدة ۱۴۳۶
شماره ۱۹۴۲

